



## سخن سردبیر

این روزها در داخل و خارج از کشور حرف و حدیث های مدعی دفاع از حقوق زنان را زیاد میشنویم. تلاش برای نشان دادن زن بعنوان یک جنس معیوب و مظلوم! تلاش برای دور کردن زن، از هویت ارزشمند و واقعی اش! جمعی از دختران دغدغه مند اهل قلم، می خواهند صد بشوند جلوی این افکار هرز. می خواهند زنگ خطر بشوند برای هوشیار کردن مسئولان و متولیان این عرصه. می خواهند مرهم شوند برای درد زنانی که از این افکار آسیب خورده اند و از خیلی از حقوق خود جامانده اند. صبا، تورقی ست مکتوب از دختران دانشگاه پیام نور مشهد. نسیم صبا می آید تا با آگاهی به موقع لذت ارزشمند بودن زن را به جامعه القاء کند و هر جا لازم بود چون طوفانی رعداً سابر میز مسئولیت مسئولان بکوبد و مطالبه گر حقوقی شود که زیر این حجم از هجمه های پوسیده لگدمال میشود.

## {با خانواده} به خانه برمی گردیم



وهمدلی مدیریت کنند تا در بحران فعلی خانواده دچار کمترین آسیب ها بشود. گرچه پمپاژهای رسانه ای با طرح برخی مسائل سعی در کاهش تاب آوری زنان در خانواده را دارند و یا برای حل بحران اختلافات خانوادگی، نسخه های بی فرجامی پیچند که جز افزایش ناآرامی و از هم پاشیدگی خانواده ها نقش دیگری نمی تواند داشته باشد. موضوع پراهمیتی که نباید مغفول بماند حجم فعالیت های درون خانواده است که طبیعتاً در سبک زندگی قرنطینه افزایش یافته؛ فعالیت های اجرایی درون خانواده مثل نظافت خانه به دور از نقش های جنسیتی است و اگر همه ی این مسئولیت سنگین تنها بر دوش زنان باشد و اصل خانواده که بر اساس همکاری و تعاون همه اعضای خانواده است شکل نگیرد، موجب بروز خلل در مدیریت عاطفی زنان در خانه و فشار مضاعف بر آنها موجب بی انگیزگی برای ایفای هر چه بهتر نقش آرامش بخشی در خانواده خواهد شد. با وجود کرونا مأموریت و تلاش زنان در خانواده برای حفظ سلامت روان افراد و کاهش تعارضات در کنار حجم چندبرابری فعالیت های اجرایی خانه بیشتر شده که موفقیت آن هادر این عرصه محسوس و غیرقابل انکار است. بحرانی دیگر با نقش آفرینی زنان در خانواده در حال کنترل است و میدان داری زنان با صبر و ایثار موفقیتی گرانبه است که روایتی نواز عملکرد موثر زنان به وقت بحران ها را خواهد ساخت.

مهدیه روحانی فر، دانشجوی روانشناسی شبیخون ویروس میکروسکوپی کرونا، روزهای متفاوتی را برای همه رقم زد. آدم های اجتماعی دنیای مدرن رانگاهان در دیوارهای سنگی خانه ها محبوس گرد و بر ایمان بیش از پیش نقش جدی و اساسی خانواده به عنوان مهمترین نهاد اجتماعی را یادآور شد. درست در زمانی که دغدغه و نگرانی روانشناسان، روانکاوان و جامعه شناسان کاهش ارتباط چهره به چهره و تعاملات خانوادگی و تغییر مفهوم خانه و خانواده در روابط عاطفی به واسطه مشغله های اجتماعی هر یک از افراد خانواده شده بود! البته این خانه نشینی اجباری تبعاتی غیر قابل انکار را به همراه داشت؛ مثلاً قبل از قرنطینه اعضای خانواده سرگرمی های کاری، مشغله های تحصیلی و تفریحی مخصوص خود را داشتند که این موضوع موجب تخلیه هیجانی و روانی افراد میشد و عوامل اصطحکاک درون خانواده را کاهش میداد.

گسترده گی کرونا و سبک زندگی فعلی باعث افزایش تعامل و ارتباط خانواده و سپری کردن ساعات طولانی تر با هم شده است و در بعضی خانواده ها جای خالی مشغله های کاری و تفریحی را تنش های خانوادگی پرمی کند؛ تنش هایی که در بعضی از کشورها حکایت از افزایش بی سابقه سرایت طلاق به زوج ها و صعود آمارهای مشاجره دارد که البته قطعاً فرهنگ و روحیات فردمحوری در نتایج اینچنینی بی تاثیر نیست. بی درنگ خانواده های ایرانی هم دچار پیامدهای خانه نشینی اجباری و به یکباره تهی شدن ساعت های کاری شده اند؛ اما وضعیت نشان میدهد اصالت و استحکام خانواده در جامعه ایرانی مانع بروز خیلی از مشکلات شده است و همچنان خانواده بالاترین مرجع اجتماعی در کشور است. در این میان نقش زنان که از ارکان اصلی حفظ استحکام خانواده هستند را نباید فراموش کرد؛ در فرهنگ کشورمان زنان قلب تپنده خانواده تلقی میشوند و در استقامت در برابر ضربه های بحران ها و به حداقل رسیدن تعارضات نقش پررنگی ایفا میکنند.

زنان به جهت روحیات، ساختار خلقت و ویژگی های شخصیتی، مظهر مهر و عاطفه اند؛ به همین علت توانستند تعادل روانی خانواده را با محبت

# زنان در جامعه‌ای بر فراز کرونا



بدسرپرست وجود دارد؟ آیا همه‌ی این زنان تحت پوشش کمیته امداد یا بهزیستی هستند؟ در صورتی که فکری به حال کسب و کارهای خانگی نشود چه بر سرشان خواهد آمد؟ جهادگر در سنگر خانه و مادران دلسوز در آپارتمان‌های استیجاری نقلی‌شان علاوه بر تربیت فرزندان و رسیدگی به درس و مشق فرزندان‌شان، برای اوقات فراغت فرزندان‌شان چه تدبیری بیندیشند که هم فاصله‌گذاری اجتماعی را رعایت کنند در عین حال سبب آزار همسایه‌های طبقه‌ی بالا و پایین نشوند؟ مادرانی که برخی خود، دانشجوی هستند؛ باید علاوه بر نرم افزار شاد با سیستم آموزش مجازی نیز سر و کله بزنند. اگر خدایاری‌شان دهد و سایت بالابیاید و اینترنت‌شان قطع نشود! بار رسیدگی به همسر و فرزندان بر روی دوش زنان بیش از قبل سنگینی می‌کند. برای افزایش روحیه و نشاط چنین زنانی چه باید کرد؟

کرونا هنوز هست؛ کرونا هنوز دارد جان عزیزانی را می‌گیرد که فکر می‌کردند بعد از مدت‌ها رعایت و در قرنطینه ماندن دیگر به سراغشان نمی‌آید! خیلی از پزشکان، پرستاران، خدمه زحمتکش بیمارستان‌ها، این مدافعان سلامت، هنوز مشغول کارند. مدت‌هاست خانواده‌شان را ندیده‌اند. در معرض ابتلا به کرونا و بیماری قرار دارند؛ زحماتشان را قدر بدانیم و با وجود عدم دریافت هشدار از V.Behdasht چنانچه کار ضروری نداریم همچنان در قرنطینه بمانیم.

را روایت میکند که با فرزندان خود و همکاری سایر مادران برنامه‌های فرهنگی و بانشاطی جهت استفاده در رشد و تربیت فرزندان‌شان برگزار میکنند. در جامعه فعلی فرزندآوری و افزایش جمعیت و... مسائلیست که زوج‌های جوان را درگیر کرده و مسئولین این حوزه را به خوابی عمیق برده، همین عامل باعث شکل‌گیری این سوژه در ذهن کارگردان شد. کارگردان این مستند هدف از مستند را الگو سازی برای نسل جوان عنوان میکند.

نقش و هویت مادری است که نمایش میدهد که متأسفانه در جامعه امروز ما توسط القانات رسانه‌ای مورد کم لطفی قرار می‌گیرد. و با تعریف و برچسب‌های جدید در پی تغییر آن هستند. در این مستند نکته‌ی قابل تامل، همکاری و مشارکت مادران است که به واسطه اش تاثیر گذاری بیشتری را موجب میشود.

ریحانه زراعتکار، دانشجوی مهندسی پروژه | این روزها مردم از کرونا نمی‌ترسند چون نه V.Behdasht بهشون پیام میدهد و نه پاساژها و مشاغل آزاد تعطیل است! درست است که گاهی با آمار مبتلایان و فوت شدگان رو به رو میشوند اما این باعث نمیشود تعطیلات آخر هفته شمال نباشند!

پلیس راه، راه رو نمیبندد و مردم هم دوباره میهمان نواز شدند! فقط حرم‌های مطهر، مساجد و هیئات مذهبی سبب افزایش مبتلایان می‌شود! علیرغم این اتفاقات، کرونا در کمین است هر لحظه این امکان وجود دارد که شما قربانی بعدی باشید!

روزهای اول برای مقابله با آشوب‌های احتمالی نیروهای جهادی، دختران دانشجو، هر روز به تولید ماسک پرداختند. برخی از زنان طلبه، فی سبیل الله در حالیکه احتمال ابتلا به کرونا وجود داشت در بخش غسل‌خانه مشغول به کار شدند. در چنین موقعیتی زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست از کار بیکار شدند! آیا آمار دقیقی از چنین زنانی وجود دارد؟ چنین زنانی با ادامه‌ی کرونا چطور امرار معاش می‌کنند؟

با عادی شدن روند ابتلای افراد به کرونا این باعث نمی‌شود که آنها تصمیم بگیرند از دست فروشان خریداری کنند؛ کسب و کار خانگی برخی، علی‌الخصوص زنان سرپرست خانوار با مشکل جدی رو به رو شده است! خصوصاً کسانی که سروکارشان با مواد غذایی است. محصولات چون ترشی، سبزی‌های خورده شده، کیک‌های خانگی و... دیگر فروش نمی‌رود. اگر بخواهند در حوزه پوشاک فعالیت کنند؛ احتمالاً راه طولانی در پیش است. راهکار چیست؟ در عصری که بلاگرها فعال‌اند؛ یک زن خانه‌دار با مشکلاتی که دارد چطور می‌تواند با تبلیغات در فضای مجازی، دیده شود و محصولاتش را بفروشد؟ چنین زنی با توجه به قیمت‌های سرسام‌آور تلفن‌های هوشمند اصلاً گوشی مناسبی برای تبلیغات دارد؟ با توجه به گذشت بیش از صد روز از اعلام بحران کرونا، آیا استاد و یا سازمانی به فکر تبلیغات محصولات خانگی چنین افرادی بوده است؟ آیا آمار دقیقی از زنان بی‌سرپرست،

## مستند مادرانه

انیس عرب زاده، دانشجوی علوم اجتماعی | در روزهای که غفلت بسیاری به مسئولیت و جایگاه ویژه مادری و فرزندآوری میشود و مادری را باعث دور ماندن از تحصیل و روابط اجتماعی و از دست دادن آزادی فرد می‌پندارند؛ گروهی برای احیای هویت اصلی زن، هنر و ساخت مستند و کار رسانه‌ای را برای انتقال این مفهوم ارزشمند برگزیدند. سوژه مستند مادرانه گروهی از زنانی هستند که تشکلی به نام مادران محله را تشکیل دادند و هدفمند در تلاشند همزمان رشد مادر و کودک و، اقتصاد مقاومتی، فرزندآوری، بازی و تاثیر آن بر کودک و... را بیان کنند. این مستند تلاش جمعی مادرانی

# خلق بحران در مسیر حل بحران



به درون خانواده ها و مشکلاتشان کمکی نخواهد کرد و بعضاً تزلزل خانواده را در پی خواهد داشت!

بدون شک در بعضی از موارد حادث تنش ها و مشکلات خانوادگی نیازمند مداخلات و پیگیری های این گونه هستیم، اما بخش اعظمی از مشکلات که خانواده ها درگیر آن هستند به آسانی قابل حل میباشد، تجویز کلی برای همه ی اعضای جامعه با تفاوت های فرهنگی مختلف راهگشا نخواهد بود. آمار های و عملکرد های نادرست موجب شد شبکه های معاند خشونت، آزار، اذیت در ایران را بلند کرده و بیش از پیش به سیاه نمایی بپردازند که جز نگرانی خانواده ها و سوء استفاده ی سودجویان خروجی دیگر نداشته است و ممکن است به واسطه این بزرگ نمایی مشکلات، تشویش اذهان عمومی، تنش ها و بحران ها افزایش یابد.

طبق گفته وزیر کشور، آمارها در کشور نشان میدهد ۸۵ درصد از مردم دچار افزایش اختلافات خانوادگی و تغییرات منفی در زمان قرنطینه نشده اند.

متأسفانه مسئولان امور زنان و خانواده دائماً چشم امیدشان برای مدیریت مسائل کشور به راهکار ها و راه های رفته ی کشورهای غربی است، کشورهایی که در فرهنگ و مبانی اعتقادی بسیار با آنها متفاوت هستیم و کشورهایی که خودشان از مدیریت و حل بحران هایشان عاجزند؛ در نگاه اجمالی اگر هم، چالش هایی که زنان درگیرش هستند همانند یکدیگر باشد، نوع مواجهه برای حل آنها و مقابله باید متفاوت و طبق بررسی محیطی که زنان در آن زندگی می کنند راهکار ارائه شود، در حل مشکلات زنان و خانواده نیازمند نگرشی هستیم که با رویکرد خانواده گرا و با توجه به انگاره های اسلامی و مسائل اجتماعی فرهنگی، سیاسی و... ابعاد موضوعات را مورد توجه و بررسی قرار دهد و راهکار متناسب برای برون رفت از معضلات را مطرح کنند و نگاه تک سویه و نسخه های معوج را کنار بگذارند.

مهدیه روحانی فر، دانشجوی روانشناسی | در روز جمعه ۲۲ فروردین ماه پیامکی با محتوای: "در صورت مواجهه با موارد کودک آزاری و همسر آزاری در ایام کرونا برای دریافت خدمات اجتماعی روانی به صورت رایگان و شبانه روزی با شماره تلفن ۱۲۳ اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی تماس بگیرید" برایمان ارسال شد!

این پیامک، حاکی از آن بود که بعد از چالش های بهداشتی و اقتصادی که به واسطه شیوع کرونا مردم را دچار تشویش کرده بود، مسائل اجتماعی و فرهنگی را هم گریبان گیرشان کرد است. افزایش ساعت های حضور خانواده در خانه و قرنطینه شدن، تغییر سبک زندگی بر خلاف روزه های قبل از کرونا در بعضی موارد ممکن است موجب اصطکاک و بروز مشکلاتی در بین اعضای خانواده بشود، چنانچه در کشورهایی مثل انگلیس و فرانسه که خانواده در قبل از شیوع کرونا در آنها در معرض فروپاشی بود با قرنطینه خانگی بیش از پیش به بحران و خشونت که درگیرش بودند افزوده شده و موجب چاره اندیشی مسئولان شان شده است.

در آمریکا، قرنطینه خانگی و به دنبال آن خشونت و تنش های درون خانواده ها همزمان شد با افزایش خرید سلاح، که خطر و نگرانی ها را برایشان مضاعف کرده است و در آلمان طبق گفته وزیر خانواده کشورشان، خانواده ها در آلمان در یک محیط پرتنش قرار دارند و در دیگر کشورها، ایتالیا و اسپانیا وضعیت از این قرار است؛ مسئله ی خشونت علیه زنان در کشورهای غربی موضوع تازه ای نیست و قبل از کرونا آمار ناخوشایندی در آزار و اذیت زنان و کودکان داشتند.

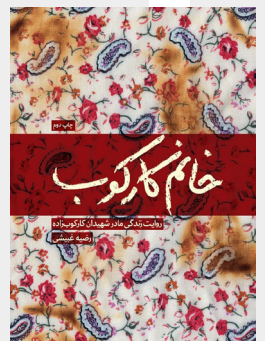
آمارها و اقدامات دیگر کشورها سندی شد که مسئولان بدون هیچ پشتوانه علمی و تخصصی و تحقیقات کارشناسی به سبک دیدگاه های بین المللی به این موضوع در ایران نگاه کنند و بدون در نظر گیری شرایط فرهنگی و اجتماعی مختلف و ندید گرفتن مسائل بومی کشور پیامکی را برای تمامی مردم ارسال کنند؛ این روش برای ورود و نفوذ



# خانم کارکوب

فرحناز رستم زاده، دانشجوی روانشناسی | کتاب خانم کارکوب به نویسندگی رضیه غیبی روایت زندگی مادر سه شهید، منصور و خلیل و عبدالجلیل کارکوب زاده و دو جانباز است گفتنی است که ایشان هم مجروح شیمیایی جنگ تحمیلی هستند.

این کتاب دارای چند فصل است که هر فصل به برگی از خاطرات زندگی مادر از ابتدای کودکی تا دوران جنگ و شهادت فرزندان و دیدار مقام معظم رهبری پرداخته شده است. خاطرات زنی با قدی خمیده و نحیف ولی استوار که با شروع جنگ تحمیلی به همراه همسر و فرزندان راهی جنگ و دفاع از میهن می شوند. زنی که سال ها چشم به راه فرزندان می نشیند تا خبری از آزادی یکی از فرزندان باعث چشم روشنی اش شود در حالیکه هرگز خبری از آنها نمی رسد و مادر منتظر و چشم به راه فرزندان میماند. در بخشی از کتاب می خوانید: آفتاب زده بود که به همراه تمام فامیل به سوی غسل خانه ای که قرار بود جنازه را به آنجا بیاورند، رفتیم. انتظار آمدن زنده ها خیلی سخت و طاقت فرساست و انتظار آمدن پیکر شهید سخت تر از آن. هیچ کس شعله های آتشی که درونم را می سوزاند و به خاکستر بدل کرده بود، نمی دید. فقط آه می کشیدم و چشم به راه بودم که یوسفم بیاید. ساعتی گذشت. پیکر را آوردند و به داخل غسل خانه بردند. بی تاب دیدارش بودم. زن ها شیون می کردند و مردها گریه، همه پشت در غسل خانه جمع شده بودند. در باز شد. من و مادرم داخل رفتیم. فقط نگاهش بی هیچ کلامی فقط نگاهش کردم. بدنم می لرزید. اشکم بی صدا پایین می آمد. نفس نفس می زدم. جلورفتم و بی اختیار خم شدم و صورت بر صورتش گذاشتم و بوسیدمش. چشمانش نیمه باز بود. بدنش بوی عطر می داد. شروع کردم به نجوا: «فدات بشم، مامانی!... توهم هوای رفتن داشتی. نگفتمی مامانی دل تنگت می شه؟ بالاخره به آرزوت رسیدی.» دستم را روی صورت و بدنش می کشیدم، نوازشش می کردم و قربان صدقه اش می رفتم. لبانم از گریه می لرزید. عزیزم به خواب رفته بود.



## اکسیری معجزه گر

برگه ها را چندین بار با دقت برانداز کرد، جهت صندلی اش رو تغییر داد و در حالی که نقطه هایی را توی برگه ی سی تی اسکن در نور مهتابی به ما نشان میداد گفت: بهتره توی خونه قرنطینه بشود! محیط آلوده بیمارستان برایش خطرناک تر است. میتونید از شون نگهداری کنید، قادر هستین مثل یک پرستار بیمارتون رو تیمار کنید؟! امانعی ندارید؟! مامان در حالی که چادرش رو گوشه لبش جمع کرده بود با انرژی خاصی گفت: با توکل به خدا ان شاء الله از پس اش برمی آییم، دخترم هم که کمکهای اولیه رو بلد است، قوت قلبم میشود! بسیار خب ادا رو هایش را تهیه کنید و توصیه های لازم رو هم که نوشتیم، مطمئنم که میتوانید، خودش هم که مرد قوی ایست. از دخترش پیداست که اینقدر محکم است! لبخند دکتر بدرقه مان کرد سمت خانه! یک اتاق را برای بابا در نظر گرفتیم که نور کافی داشته باشد و از محیط خانه دورتر! مامان چندین وعده غذا درست میکرد، آبمیوه می گرفت و با وسواس خاصی غذاهای پر انرژی رو لیست کرده بود روی کابینت، وقت و بی وقت سینی رو به سلیقه خودش پر میکرد از خوراکی میذاشت پشت در! گاهی می نشست پشت در و بلند بلند برای بابا حرف میزد، از آمار آدمهایی که کرونا رو شکست دادن، از سلام و دعاهایی که دوست و آشنا برای بابا فرستادن، از هر چی و هر جا. گاهی دل اش که خیلی برای بابا تنگ میشد پر چارقدش رو میکشید و صورت و به بهانه ی نظافت می رفت می چرخید دور بابا. گاهی که ضعف به بابا غلبه میکرد سرفه های پی در پی نفسش رو به شماره می انداخت هممون به تشویش و تلاطم می افتادیم اما این مامان بود که با آرامش وضعیت رو مدیریت میکرد، به بابا انرژی میداد و به ما روحیه. گاهی توی راهرو همونجا پشت در اتاق بابا می نشست به دعا خواندن و دل سیر گریه میکرد. همان جا خوابش می برد، خسته... ولی امیدوار. روزی که بابا توانست غول بیماری را شکست بدهد و از قرنطینه بیرون بیاید، مامان پنج تا کیک پخت، وسواسش در رعایت مسائل ایمنی ستودنی بود، کیک ها را سلفون کشید و فرستاد برای کسانی که کیک برایشان شده بود آرزو! دوتا چایی لبسوز لبدوز گذاشت توسینی و یه تیکه کیک جشن سلامتی. آمدنشست کنار بابا و گفت بیا که دلم تنگه چایی خوردنه کنار یار. بابا یه تیکه کیک رو برد سمت دهان مامان و بابا لبخند عاشقانه گفت: میدانی فرق تو با کرونا چیه؟! مامان گفت: چی؟! \_ کرونا دنیا رو زیر و رو می کنه نگاه تو دل منو....

فضای عاشقانه ی بابا و مامان عرصه رو بر ما تنگ کرد و هر کدام به بهانه ای محل رو ترک کردیم. مرور میکردم. نیرویی که مامان رو اینقدر سرپا نگه داشته بود نه شعارهای خود محور فمینیسم بود و نه باورهای غلط غربی فقط یک چیز بود، محبت و قدر دانیهای پدرم! اکسیری معجزه گر که کاشفش پدر و مادرم بودند.

نشریه صبا | انجمن اسلامی دانشگاه پیام نور

مدیر مسئول و سردبیر: مهدیه روحانی فر

هیئت تحریریه: ریحانه زراعتکار، انیس عرب زاده، فرحناز رستم زاده

طراح: صهبا صابری